

اصلاح یارانه انرژی - آموزه‌ها و مفاهیم

زینت گلی

دانشجوی دکتری اقتصاد نفت و گاز، دانشگاه علامه طباطبائی

Zinat_goli@yahoo.com

سمیرا واحدیان

کارشناس ارشد علوم اقتصادی

Sa_vm2003@yahoo.com

یارانه‌های انرژی شامل یارانه‌های تولیدکننده و مصرف‌کننده هستند. اعطای یارانه به مصرف‌کنندگان باعث می‌شود تا قیمت‌های پرداختی توسط مصرف‌کننده (اعم از خانوار یا بنگاه) کمتر از قیمت پایه باشد، در حالی که یارانه تولیدکننده، قیمت‌های دریافتی عرضه‌کنندگان را بیش از قیمت پایه می‌نماید. یارانه‌های مصرف‌کننده به دو جزء یارانه قبل از مالیات و یارانه بعد از مالیات تقسیم می‌شوند. در یارانه قبل از مالیات قیمت پرداختی توسط بنگاه یا خانوار کمتر از هزینه‌های عرضه و توزیع است، در حالی که در یارانه بعد از مالیات از سطح کارای خود کمتر می‌باشد. یارانه‌ها از طریق تأثیر منفی بر تراز مالی و بدهی دولت منجر به کاهش رشد اقتصادی می‌گردند. یارانه‌ها با پایین نگه داشتن سطح قیمت‌ها منجر به کاهش سود یا ایجاد زیان برای تولیدکنندگان انرژی شده و سرمایه‌گذاری در بخش انرژی را کاهش می‌دهند که به تبع آن رشد اقتصادی با کاهش مواجه می‌گردد. یارانه‌ها با جذب منابع سایر بخش‌های مولد رشد و نیز کاهش رقابت‌پذیری بخش خصوصی منجر به کاهش رشد اقتصادی می‌شوند. با وجود آن که دستورالعمل واحدی برای موفقیت اصلاحات وجود ندارد، معرفی موانع گوناگون در کشورهای مورد بررسی می‌تواند احتمال دستیابی به اهداف اصلاحات را افزایش داده و در جلوگیری از برگشت سیاست کمک نماید. بسیاری از کشورها برنامه‌های خاصی را در راهبرد اصلاح یارانه‌ها جهت غلبه بر موانع پیش رو گنجانده‌اند. تجارب کشورها نشان می‌دهد که شش مؤلفه کلیدی می‌تواند احتمال موفقیت اصلاح یارانه‌های انرژی را افزایش دهد.

واژه‌های کلیدی: یارانه‌های انرژی، یارانه‌های مصرف‌کننده، یارانه‌های تولیدکننده، یارانه قبل از مالیات، یارانه بعد از مالیات.

^۱. این مقاله ترجمه‌ای است از خلاصه گزارش صندوق بین‌المللی پول تحت عنوان

"Energy Subsidy Reform- lessons and Implications" که در ۳۰ ژانویه ۲۰۱۳ منتشر شده است.

۱. مقدمه

یارانه‌های انرژی دارای پیامدهای اقتصادی گسترده‌ای بوده و زمانی که برای حمایت از مصرف‌کنندگان هدفگذاری می‌شوند، منجر به بدتر شدن تراز مالی، افزایش هزینه‌های عمومی و کاهش سرمایه‌گذاری خصوصی در بخش انرژی می‌گردند. علاوه بر این، یارانه‌ها از طریق تشویق مصرف بیش از اندازه انرژی، تشویق تصنیعی صنایع سرمایه‌بر، کاهش انگیزه جهت سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر و سرعت بخشیدن به استهلاک منابع طبیعی باعث عدم تخصیص بهینه منابع می‌شوند. همچنین، بیشتر فواید یارانه‌ها توسط خانوارهای با درآمد بالا کسب می‌شود که این امر منجر به افزایش نابرابری در جامعه می‌گردد و نسل‌های آینده را از طریق اثرات زیانبار افزایش مصرف انرژی بر گرم شدن جهان، تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۲. یارانه‌ها

یارانه‌های انرژی شامل یارانه‌های تولیدکننده و مصرف‌کننده هستند. اعطای یارانه به مصرف‌کنندگان باعث می‌شود تا قیمت‌های پرداختی توسط مصرف‌کننده (اعم از خانوار یا بنگاه) کمتر از قیمت پایه باشد، در حالی که در یارانه تولیدکننده قیمت‌های دریافتی عرضه‌کنندگان بیش از قیمت پایه است. در صورت مبادله بین‌المللی حامل‌های انرژی (مانند فرآورده‌های نفتی)، قیمت پایه بر مبنای قیمت‌های بین‌المللی با احتساب هزینه‌های توزیع و حمل‌ونقل خواهد بود. اما در شرایطی که حامل انرژی غیرقابل مبادله باشد (مانند برق)، قیمت پایه قیمتی است که هزینه‌های تولیدکننده داخلی (شامل هزینه تولید، انتقال و توزیع برق) را پوشش می‌دهد.

یارانه‌های مصرف‌کننده به دو جزء یارانه قبل از مالیات^۱ و یارانه بعد از مالیات^۲ تقسیم می‌شوند. در یارانه قبل از مالیات، قیمت پرداختی توسط بنگاه یا خانوار کمتر از قیمت پایه‌ای است که برای حامل‌های انرژی قابل مبادله برابر قیمت‌های بین‌المللی با احتساب هزینه توزیع و حمل‌ونقل و برای حامل‌های غیرقابل مبادله برابر قیمت پوشش‌دهنده هزینه‌های تولیدکننده داخلی است. در یارانه بعد از مالیات به قیمت پایه مذکور یک عامل تعدیل‌کننده برای مالیات کارا جهت انعکاس نیازهای درآمدی و اصلاح اثرات جانبی منفی مصرف (مانند گرم شدن زمین و آلودگی منطقه‌ای) افزوده می‌شود. بنابراین، در صورت پرداخت یارانه قبل از مالیات، یارانه بعد از مالیات برابر است با مالیات کارا به‌علاوه یارانه قبل از مالیات و در صورتی که یارانه قبل از مالیات اعطا نشود، یارانه بعد از مالیات برابر تفاوت مالیات واقعی و مالیات کارا است.

1. Pre-Tax Subsidy

2. Post-Tax Subsidy

یارانه قبل از مالیات = قیمت پایه - قیمت پرداختی توسط مصرف کننده

یارانه بعد از مالیات = (قیمت پایه + مالیات کارا) - قیمت پرداختی توسط مصرف کننده

اعطای یارانه انرژی در بیشتر نواحی جهان صورت می‌گیرد و هزینه‌های اقتصادی و مالی قابل ملاحظه‌ای را به همراه دارد. میزان یارانه قبل از مالیات فرآورده‌های نفتی، برق، گاز طبیعی و ذغال‌سنگ در سال ۲۰۱۱ حدود ۴۸۰ میلیارد دلار بوده که این میزان معادل ۰/۷ درصد از GDP جهانی یا ۲ درصد از کل درآمد دولت‌ها است. یارانه‌های قبل از مالیات بیشتر در اقتصادهای نوظهور و در حال توسعه متمرکز هستند، به‌طوری‌که صادرکنندگان نفت بیشترین میزان یارانه را پرداخت می‌کنند. حدود ۵۰ درصد یارانه‌های قبل از مالیات جهان به منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا اختصاص دارد. در این منطقه یارانه‌های انرژی بیش از ۸/۵ درصد از GDP منطقه یا ۲۲ درصد از کل درآمدهای دولت را تشکیل می‌دهند که نیمی از آن نیز به یارانه محصولات نفتی تعلق دارد. پراکندگی یارانه در بین کشورهای منطقه بسیار زیاد است. در ۱۲ کشور از ۲۰ کشور منطقه، یارانه انرژی حداقل ۵ درصد از GDP را به خود اختصاص داده است.

اقتصادهای نوظهور و در حال توسعه آسیا نیز بیش از ۲۰ درصد یارانه انرژی قبل از مالیات جهان را پرداخت می‌کنند، به‌طوری‌که یارانه پرداختی حدود ۱ درصد از GDP منطقه یا ۴ درصد از کل درآمدهای دولت است و یارانه محصولات نفتی و برق نزدیک به ۹۰ درصد از کل یارانه‌ها را تشکیل می‌دهند.

حدود ۱۵ درصد از یارانه انرژی جهان در منطقه اروپای شرقی، مرکزی و CIS پرداخت می‌گردد که این میزان بیش از ۱/۵ درصد از GDP منطقه یا ۴/۵ درصد از کل درآمدهای دولت است. از کل یارانه‌های پرداختی حدود ۹۵ درصد به گاز طبیعی و برق اختصاص دارد. این منطقه با پرداخت حدود ۳۶ درصد از یارانه گاز طبیعی جهان بیشترین سهم از یارانه این حامل انرژی را دارا می‌باشد. بیش از ۷/۵ درصد از یارانه‌های انرژی جهان در آمریکای لاتین و جزایر کارائیب وجود دارد که این میزان یارانه حدود ۰/۵ درصد از GDP منطقه یا ۲ درصد کل درآمدهای دولت را در بر می‌گیرد. نزدیک به ۶۵ درصد یارانه در این منطقه به مواد نفتی اختصاص دارد.

در جنوب صحرای آفریقا نیز حدود ۴ درصد از یارانه انرژی جهان پرداخت می‌گردد که ۱/۵ درصد از GDP منطقه یا ۵/۵ درصد کل درآمدهای دولت را تشکیل می‌دهد و بیش از ۷۰ درصد به یارانه برق اختصاص دارد.

در میان اقتصادهای پیشرفته تنها اقتصادی که یارانه‌های انرژی سهم غیرقابل اغمازی از GDP را تشکیل می‌دهند، ایالت تایوان چین بوده که حدود ۰/۳ درصد از GDP را به یارانه برق اختصاص داده است.

یارانه‌های بعد از مالیات که اثرات جانبی منفی مصرف انرژی را نیز لحاظ می‌کنند، بسیار بیشتر از ۱/۹ تریلیون دلار می‌باشند که ۲/۵ درصد از GDP جهانی یا ۸ درصد از کل درآمد دولت‌ها را در بر می‌گیرد. حذف این یارانه‌ها می‌تواند انتشار گاز CO₂ را ۱۳ درصد کاهش دهد و با کاهش تقاضای جهانی انرژی اثرات فراگیر مثبتی ایجاد نماید.

به‌طور کلی $\frac{1}{3}$ از کل یارانه‌های جهان به یارانه‌های قبل از مالیات اختصاص دارد، در حالی که $\frac{3}{4}$ آن به یارانه‌های بعد از مالیات تعلق می‌گیرد. حدود ۴۰ درصد از کل یارانه‌های جهان به اقتصادهای پیشرفته اختصاص دارد و سه کشور پرداخت‌کننده عمده یارانه در جهان، ایالات متحده (۵۰۲ میلیارد دلار)، چین (۲۷۹ میلیارد دلار) و روسیه (۱۱۶ میلیارد دلار) می‌باشند.

۲-۱. پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی یارانه‌های انرژی

یارانه‌های انرژی دارای اثرات گسترده‌ای هستند که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۲-۱-۱. کاهش رشد اقتصادی

یارانه‌ها از طریق تأثیر منفی بر تراز مالی و بدهی دولت منجر به کاهش رشد اقتصادی می‌گردند. علاوه بر این، یارانه‌ها با پایین نگه داشتن قیمت‌ها منجر به کاهش سود یا ایجاد زیان برای تولیدکنندگان انرژی شده و سرمایه‌گذاری در بخش انرژی را کاهش می‌دهند که به تبع آن رشد اقتصادی با کاهش مواجه می‌گردد. یارانه‌ها با جذب منابع سایر بخش‌ها نظیر آموزش و بهداشت که در بلندمدت سبب رشد اقتصادی هستند و نیز کاهش رقابت‌پذیری بخش خصوصی منجر به کاهش رشد اقتصادی می‌گردند. همچنین یارانه‌ها با کاهش قیمت حامل‌های انرژی در مقایسه با سایر کشورها انگیزه قاچاق را افزایش می‌دهند و از طریق افزایش مخارج بودجه‌ای و عدم دستیابی به درآمدهای مالیات بر مصرف در داخل کشور، رشد اقتصادی را کاهش می‌دهند.

۲-۱-۲. تشدید مشکلات واردکنندگان و صادرکنندگان نفت در مواجهه با نوسانات قیمت‌های جهانی انرژی
تراز پرداخت بسیاری از کشورهای واردکننده انرژی نسبت به افزایش قیمت‌های بین‌المللی به دلیل افزایش حجم یارانه‌ها آسیب‌پذیر است که این آسیب‌پذیری از طریق انتقال افزایش قیمت‌ها به داخل

و با ایجاد انگیزه برای بهبود کارایی بخش انرژی و کاهش مصرف تعدیل می‌گردد، ضمن این که نوسانات یارانه مدیریت بودجه را با مشکل مواجه می‌سازد.

در کشورهای صادرکننده انرژی نیز افزایش قیمت‌های جهانی از طریق افزایش میزان یارانه‌ها سبب تشدید نوسانات اقتصاد می‌گردد که افزایش قیمت‌های داخلی همگام با قیمت‌های جهانی می‌تواند تقاضای داخلی را کاهش دهد و منابع مالی را برای دوره‌هایی که قیمت‌های جهانی کاهش می‌یابد، ذخیره نماید.

۲-۱-۳. اثرات جانبی منفی یارانه‌های انرژی

یارانه باعث مصرف بی‌رویه فرآورده‌های نفتی، ذغال‌سنگ و گاز طبیعی گردیده و انگیزه سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر و کارآ را کاهش می‌دهد و منجر به افزایش گرمایش زمین و آلودگی منطقه‌ای می‌شود. افزایش ترافیک جاده‌ای و بالا رفتن نرخ تصادفات و تخریب جاده‌ها از دیگر اثرات منفی پرداخت یارانه سوخت است. یارانه برق نیز به‌طور غیرمستقیم بر گرمایش زمین و آلودگی محیط تأثیرگذار است که میزان این اثرگذاری به ترکیب منابع انرژی برای تولید برق وابسته است. یارانه نفت گاز نیز موجب استفاده بی‌رویه پمپ‌های آبیاری و کشت محصولات زراعی با مصرف بالای آب و تهی شدن آب‌های زیرزمینی است.

۲-۱-۴. افزایش تقاضا و قیمت جهانی انرژی

افزایش بی‌رویه مصرف موجب افزایش تقاضای جهانی انرژی و به تبع آن افزایش قیمت می‌گردد. بررسی‌ها نشان می‌دهد، در صورت حذف تدریجی یارانه‌ها در کشورهای non-OECD، قیمت جهانی نفت خام، گاز طبیعی و ذغال‌سنگ به ترتیب ۸، ۱۳ و ۱ درصد در سال ۲۰۵۰ کاهش یابد.

۲-۱-۵. افزایش نابرابری اجتماعی با دریافت فواید بیشتر حاصل از یارانه‌ها توسط خانوارهای پردرآمد

یارانه‌های انرژی از طریق قیمت‌های کمتر برای انرژی مورد استفاده در پخت‌وپز، گرمایش و حمل‌ونقل شخصی و نیز قیمت‌های کمتر برای کالاها و خدماتی که انرژی را به‌عنوان نهاده استفاده می‌کنند، به خانوارها منفعت می‌رسانند. در کشورهای با درآمد پایین و متوسط، ۲۰ درصد ثروتمند جامعه (۴۳ درصد) به‌طور متوسط شش برابر ۲۰ درصد فقیر (۷ درصد) یارانه‌های انرژی را دریافت می‌کنند. با این وجود، افزایش شدید قیمت انرژی می‌تواند بودجه خانوارهای فقیر را به‌طور مستقیم از طریق حذف یارانه‌ها و به‌طور غیرمستقیم از طریق کاهش درآمد واقعی به دلیل شاخص قیمت مصرف‌کننده بالاتر، متأثر سازد.

۲-۱-۶. انحراف منابع از مخارج حمایت‌کننده از فقرا به سمت یارانه‌های انرژی

در بسیاری از کشورهای پرداخت‌کننده یارانه، عدالت اجتماعی می‌تواند با تخصیص مجدد منابع در برنامه‌های هدفگذاری شده روی سلامت، آموزش و حمایت اجتماعی بهبود یابد. در بلندمدت ایجاد یک شبکه اجتماعی مناسب همراه با حذف یارانه‌ها و افزایش مخارج در حمایت از فقرا منجر به بهبود وضعیت گروه‌های کم‌درآمد می‌گردد.

۳. اصلاح یارانه انرژی: آموخته‌های حاصل از تجربه

مطالعه موردی کشورها نشان می‌دهد که در دو دهه گذشته، اصلاح موفق و ناموفق نظام پرداخت یارانه در طیف وسیعی از کشورها و حامل‌های انرژی مختلف با تلاش دولت‌ها جهت کاهش بار مالی یارانه‌ها، افزایش قیمت انرژی مصرفی خانوارها و بنگاه‌ها و بهبود کارایی شرکت‌های تحت مالکیت خود در بخش انرژی همراه بوده است. این مطالعات مواردی را در بر می‌گیرد که در آن دولت‌ها با موفقیت اصلاحات را اجرا نموده و کاهش دائمی و پایدار یارانه‌ها را به همراه داشته است (موفقیت)، مواردی که یارانه حداقل برای یک سال کاهش یافته اما در ادامه یارانه‌ها به‌عنوان یک موضوع سیاسی باقی مانده‌اند (موفقیت نسبی) و در نهایت مواردی که اصلاح یارانه‌ها با شکست مواجه گردیده و افزایش قیمت‌ها یا تلاش برای بهبود کارایی در بخش انرژی خیلی زود پس از شروع اصلاح، به شرایط قبل بازگشته‌اند (عدم موفقیت). از این‌رو، در ادامه به بررسی موانعی که در مسیر اصلاحات نظام یارانه در کشورهای مختلف وجود داشته است، پرداخته می‌شود:

۳-۱. موانع پیش‌روی اصلاحات

با وجود آن‌که دستورالعمل واحدی برای موفقیت اصلاحات وجود ندارد، معرفی موانع گوناگون در کشورهای مورد بررسی می‌تواند احتمال دستیابی به اهداف اصلاحات را افزایش داده و در جلوگیری از برگشت سیاست کمک نماید.

۳-۱-۱. فقدان اطلاعات در خصوص حجم یارانه‌ها و نقاط ضعف آن

هزینه مالی یارانه‌های انرژی (شامل یارانه‌های تولیدکننده و مصرف‌کننده) به‌ندرت در بودجه منعکس می‌شود. این موضوع به‌ویژه برای کشورهای صادرکننده نفتی که یارانه‌ها از طریق پایین نگه داشتن قیمت‌های انرژی و عدم درج صریح در بودجه اعطا می‌گردند، صادق است. در این شیوه عموم مردم نسبت به پایین بودن قیمت‌های داخلی در مقایسه با قیمت‌های جهانی، پیامدهای قیمت پایین‌تر انرژی بر روی بودجه و کارایی اقتصاد و منافع توزیع یارانه‌های انرژی آگاهی ندارند. در نتیجه مردم قادر به برقراری ارتباط بین یارانه‌ها، محدودیت‌ها جهت افزایش هزینه‌های عمومی

با اولویت بیشتر و اثرات معکوس یارانه‌ها بر رشد اقتصادی و کاهش فقر نیستند. از میان ۲۸ مورد بررسی شده در خصوص اصلاح قیمت‌های انرژی، در ۱۷ مورد فقدان اطلاعات مانعی جهت اصلاح بوده است. در بیشتر کشورهای موفق در اصلاح یارانه‌های انرژی، ارزیابی حجم یارانه‌ها قبل از انجام اصلاحات صورت گرفته است.

۳-۱-۲. عدم اعتبار دولت و گنجایش اداری

حتی زمانی که عموم مردم از حجم و نقصان یارانه‌های انرژی آگاهی دارند، عدم اطمینان به دولت جهت استفاده درست از ذخایر حاصل از اصلاح یارانه‌ها مانعی برای افزایش قیمت انرژی محسوب می‌شود. این موضوع به‌ویژه در کشورهای با سابقه فساد، عدم شفافیت در اجرای سیاست‌های عمومی و ناکارایی در مخارج عمومی که توسط عموم قابل درک است صدق می‌کند. عدم اعتبار دولت به‌عنوان عامل مهمی در عدم موفقیت اصلاحات یارانه سوخت در اندونزی (۲۰۰۳) و نیجریه (۲۰۱۱) مطرح شده است.

۳-۱-۳. نگرانی در خصوص اثرات معکوس حذف یارانه‌ها بر خانوارهای فقیر

اگرچه بیشتر فواید حاصل از یارانه‌های انرژی به‌وسیله گروه‌های بالای درآمدی کسب می‌شود، اما افزایش قیمت انرژی به‌علت هزینه‌های بیشتر انرژی و قیمت‌های بالاتر سایر کالاها و خدمات نظیر غذا اثر معکوس قابل ملاحظه‌ای بر درآمد واقعی فقرا خواهد گذاشت. در ۲۰ مورد از اصلاحات صورت گرفته در کشورها جهت کاهش اثر افزایش قیمت بر فقرا فعالیت‌های تعدیل‌کننده‌ای مورد توجه قرار گرفته است. در ۷ مورد از اصلاحات، قیمت محصولات دارای اهمیت کمتر در بودجه خانوارهای فقیر افزایش یافته است.

۳-۱-۴. نگرانی در خصوص اثرات معکوس بر تورم، رقابت بین‌المللی و نوسانات قیمت‌های داخلی انرژی

افزایش در قیمت‌های انرژی اثرات کوتاه‌مدتی بر تورم داشته و باعث افزایش انتظارات در خصوص افزایش بیشتر قیمت‌ها و دستمزدها می‌شود مگر آن‌که سیاست‌های کلان اقتصادی مناسبی اتخاذ گردد. قیمت‌های بیشتر انرژی بر رقابت بین‌المللی بخش‌های انرژی بر نیز تأثیر خواهد گذاشت. در ارمنستان اثر افزایش قیمت برق بر تورم با اتخاذ سیاست‌های تثبیت‌کننده کلان اقتصادی کاهش یافت. در ایران و نیجریه نیز اصلاح یارانه سوخت با راهکارهایی جهت کاهش اثر افزایش قیمت‌ها بر بخش‌های انرژی بر همراه بوده است.

۳-۱-۵. در تضاد بودن اصلاحات با منافع گروه‌های بهره‌مند از وضعیت موجود

گروه‌های بهره‌مند از یارانه‌ها، قدرتمند و به خوبی سازماندهی شده هستند و می‌توانند مانع اصلاح قیمت‌ها شوند. بنابراین راهبردهای اصلاح می‌بایست به کسانی که از اصلاحات ضرر می‌کنند نیز توجه داشته باشد. در لهستان اصلاحات بخش معدن به دلیل عدم حمایت کافی از کارگران معدن ناموفق بود. در مکزیک، اعتراض جدی اتحادیه‌های کارگری به شکست اصلاحات بخش برق انجامید. یک مانع جدی برای انجام اصلاحات در بسیاری از کشورها، شرکت‌های دولتی در بخش انرژی بوده‌اند.

۳-۱-۶. شرایط ضعیف اقتصاد کلان

مقاومت عمومی نسبت به اصلاح یارانه‌ها در شرایط رشد اقتصادی نسبتاً بالا و تورم پایین کمتر خواهد بود. با این وجود، اصلاح یارانه‌ها را نمی‌توان به تأخیر انداخت و اغلب انجام این اصلاحات برای محدود کردن تورم و افزایش رشد لازم است. افزایش درآمد خانوارها به آن‌ها کمک می‌کند تا استطاعت مالی بیشتری در مواجهه با افزایش قیمت‌های انرژی ناشی از اصلاح یارانه‌ها داشته باشند.

در پرو، رشد اقتصادی بالا و ثبات قیمت‌ها در سال ۲۰۱۰ اصلاح یارانه‌های انرژی را به لحاظ سیاسی قابل قبول تر نمود. در ترکیه انجام اصلاحات بخش برق که با دوره رشد اقتصادی همزمان بود و منجر به بهبود استانداردهای زندگی گردید، عموم را مطمئن نمود که انجام اصلاحات کشور را به سمت مسیر درست حرکت می‌دهد.

۳-۲. طراحی راهبرد اصلاح یارانه‌ها

بسیاری از کشورها برنامه‌های خاصی را در راهبرد اصلاح یارانه‌ها جهت غلبه بر موانع فوق گنجانده‌اند. تجارب کشورها نشان می‌دهد که شش مؤلفه کلیدی زیر می‌تواند احتمال موفقیت اصلاح یارانه‌های انرژی را افزایش دهد:

- یک برنامه جامع اصلاح بخش انرژی شامل اهداف بلندمدت، تحلیل اثرات اصلاح و مشاوره با سهامداران این بخش
- یک راهبرد ارتباطی گسترده و شفاف، برای مثال با انتشار اطلاعات در زمینه میزان یارانه‌ها و ثبت یارانه‌ها در بودجه

- فازبندی مناسب افزایش قیمت حامل‌های مختلف انرژی
- بهبود کارایی شرکت‌های دولتی جهت کاهش یارانه تولیدکننده
- انجام اقدامات حمایتی از اقشار کم‌درآمد

• اصلاحات ساختاری جهت حذف قیمت‌گذاری دستوری انرژی مانند مکانیزم‌های قیمت‌گذاری خودکار

در ادامه هر یک از این مؤلفه‌ها با جزئیات بیشتر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۲-۱. طرح جامع اصلاح

بیشتر اصلاحات موفق دارای یک راهبرد اصلاح شفاف برنامه‌ریزی بوده‌اند. برنامه جامع اصلاح به اهداف بلندمدت صریح، ارزیابی اثرات اصلاح و مشورت با سهامداران نیازمند است. اصلاحات باید با روش باثباتی برای قیمت‌گذاری انرژی و طرحی جهت افزایش کارایی مصرف و عرضه انرژی همراه باشند.

این راهبرد جامع به‌ویژه برای اصلاحات بخش برق مهم به‌نظر می‌رسد. رابطه معکوس قوی بین حجم یارانه‌های برق و کیفیت خدمات وجود دارد که منعکس‌کننده اثر کاهنده یارانه‌ها بر سرمایه‌گذاری در این بخش است. با این وجود، مردم اغلب تا زمانی که کیفیت بهبود نیابد مایل به پرداخت قیمت‌های بیشتر نیستند. اصلاحات در این بخش نه تنها باید در پی افزایش دسترسی و کیفیت خدمات باشد، بلکه باید به حذف ناکارایی‌های عملیاتی (مانند تلفات بالای توزیع و جمع‌آوری نامناسب صورت‌حساب‌ها) نیز منجر گردد. اگر افزایش تعرفه‌ها به همراه بهبود خدمات باشد، سرعت اصلاح محدود می‌شود زیرا برای بهبود خدمات اغلب باید از قبل سرمایه‌گذاری شود. اصلاح یارانه برق در ارمنستان، برزیل و کنیا با موفقیت همراه بوده است، زیرا این اصلاحات، بخشی از بسته جامع‌تر در نظر گرفته‌شده جهت مقابله با مشکلات عرضه بود.

طراحی راهبردی جامع برای اصلاح یارانه نیازمند اطلاعاتی درخصوص اثر احتمالی اصلاحات بر سهامداران مختلف و تشخیص شاخص‌هایی برای کاهش اثرات معکوس و شامل ارزیابی اثرات مالی و کلان اقتصادی یارانه‌ها و همچنین تشخیص برندگان و بازندگان اصلاحات است. دولت غنا در سال ۲۰۰۵ به تهیه گزارشی درخصوص فقر و تأثیرات اجتماعی آن پرداخت تا ذی‌نفعان و زیان‌دیدگان در زمان پرداخت یارانه سوخت و در شرایط حذف یارانه‌ها را بررسی نماید.

در تهیه راهبرد اصلاح یارانه، سهامداران نیز باید مشارکت داده شوند. در بسیاری از کشورها (مانند کنیا، نامیبیا، نیجر و اندونزی) این روش بسیار موفق بوده است. در کنیا، افزایش تعرفه برق با مشکلات جدی در اوایل فرایند اصلاح مواجه بود که این مشکلات پس از مذاکره با سهامداران به‌ویژه مصرف‌کنندگان بزرگ و همچنین برقراری ارتباط بین اهداف و منافع اصلاحات برطرف شد.

۳-۲-۲. راهبرد ارتباطی

کمپین اطلاعاتی مؤثر می‌تواند به ایجاد حمایت‌های عمومی و سیاسی گسترده کمک نماید و باید در طول فرایند اصلاح انجام شود. تجارب کشورها در خصوص اصلاح یارانه‌ها نشان می‌دهد که احتمال موفقیت با حمایت مردم و ارتباطات فعال عموم سه برابر می‌شود. کمپین اطلاعاتی باید در مورد حجم یارانه‌های انرژی و اثرات آن‌ها بر سایر بخش‌های بودجه اطلاع‌رسانی نماید. منافع حذف یارانه‌ها، بودجه مازاد ناشی از اصلاح و درآمد اضافی جهت تأمین مالی مخارج با اولویت بالا روی آموزش، سلامت، زیرساخت‌ها و تأمین اجتماعی نیز باید برشمرده شود. کمپین اطلاعاتی موفقیت تعدادی از کشورها شامل اصلاحات سوخت در غنا، ایران، نامیبیا و فیلیپین و اصلاح یارانه برق در ارمنستان و اوگاندا را پایه‌ریزی نمود.

اطمینان از شفافیت، یک جزء کلیدی برای یک راهبرد ارتباطی موفق تلقی می‌شود. اطلاعات مهمی که در این خصوص باید منتشر گردد، شامل موارد زیر است:

- حجم یارانه‌ها و چگونگی تأمین مالی آن‌ها
- توزیع منافع یارانه در بین گروه‌های درآمدی
- تغییرات در مخارج یارانه‌ها طی زمان
- منافع بالقوه زیست‌محیطی و سلامت ناشی از اصلاح یارانه‌ها

پیش از اصلاح موفق یارانه‌ها، نیجریه یارانه سوخت را به‌طور صریح در بودجه ثبت نمود. چنین اطلاعاتی به عموم اجازه می‌دهد که به ارزیابی مستقلی از هزینه‌ها و فواید سیاست‌های یارانه بپردازند. این موضوع به‌ویژه برای تعیین این که آیا یارانه‌ها مؤثرترین راه برای دستیابی به نتایج مطلوب می‌باشند (مانند حمایت اجتماعی از فقرا) حائز اهمیت است. دولت‌ها همچنین باید در خصوص چگونگی فرمول‌بندی قیمت‌ها و عوامل مؤثر بر افزایش قیمت‌ها تا حد امکان به افشای اطلاعات بپردازند. غنا و آفریقای جنوبی به‌طور مرتب چنین جزئیاتی را برای فرآورده‌های نفتی روی وب‌سایت دولت و در رسانه ملی منتشر می‌کنند.

۳-۲-۳. افزایش تدریجی قیمت‌ها و فازبندی

۳-۲-۳-۱. افزایش تدریجی قیمت‌ها و مزایای آن

افزایش تدریجی و متوالی قیمت‌ها به‌صورت مناسب به مواردی مانند موقعیت مالی، شرایط سیاسی و اجتماعی، مدت زمان لازم جهت توسعه راهبرد ارتباطی مؤثر و نظام تأمین اجتماعی (در مطالعات موردی، زمان لازم برای اصلاحات موفق و نیمه‌موفق یارانه‌ها به‌طور متوسط ۵ سال بوده است) بستگی خواهد داشت.

افزایش شدید قیمت‌های انرژی می‌تواند مانعی جدی برای اصلاحات باشد (مانند اصلاحات یارانه سوخت در موریثانی (۲۰۰۸) و نیجریه (۲۰۱۲)). فازبندی اصلاحات، زمان لازم جهت انطباق خانوارها و بنگاه‌ها با شرایط جدید را فراهم می‌آورد و به کشور اجازه می‌دهد تا با نشان دادن هزینه صحیح پس‌اندازهای حاصل از اصلاح (تدریجی) یارانه‌ها، اعتبار کسب نماید. این امر به کاهش اثر اصلاح یارانه بر تورم می‌انجامد و شرایط لازم جهت ایجاد نظام تأمین اجتماعی را برای دولت فراهم می‌سازد. اصلاح مرحله‌ای یارانه‌ها در دو کشور برزیل و نامیبیا اجرا شد و در ایران نیز به‌رغم افزایش اولیه شدید قیمت‌ها، تعدیل تدریجی قیمت‌های سوخت از ویژگی مهم اصلاحات در این کشور بوده که در آن حذف یارانه فرآورده‌های نفتی طی دوره زمانی پنج ساله طراحی شده است.

افزایش قیمت‌ها می‌تواند طی مراحل مختلفی برای حامل‌های گوناگون انرژی انجام شود. برای مثال، در ابتدا افزایش قیمت فرآورده‌های نفتی می‌تواند برای فرآورده‌های مورد استفاده در صنایع و گروه‌های بالای درآمدی بیشتر باشد و پس از تقویت نظام تأمین اجتماعی اصلاح یارانه فرآورده‌هایی که در بودجه خانوارهای فقیر از اهمیت بیشتری برخوردارند، انجام شود. در خصوص برق، افزایش تعرفه‌ها می‌تواند در ابتدا برای مشترکین پرمصرف خانگی و مشترکین تجاری اعمال گردد. در ۷ مورد (مانند برزیل و پرو) از ۲۸ مورد تحت مطالعه، از این روش در مرحله‌بندی افزایش قیمت‌ها استفاده شده است.

۳-۲-۳. چالش‌های پیش‌روی اصلاحات با افزایش تدریجی قیمت‌ها

با وجود مزایای مذکور، اصلاح تدریجی یارانه‌ها می‌تواند چالش‌های بیشتری به‌شرح زیر را برای اصلاحات ایجاد نماید:

- سرعت پایین اصلاحات، ذخایر بودجه‌ای را در کوتاه‌مدت کاهش می‌دهد.
- مرحله‌بندی اصلاحات می‌تواند به‌طور جدی الگوی مصرف را منحرف کند. برای مثال، در خصوص اینکه قیمت نفت سفید را تا چه میزان می‌توان پایین نگه داشت، هنگامی که قیمت سایر فرآورده‌های نفتی افزایش می‌یابد بدون آن که شکست جدی در بازارهای انرژی رخ دهد، محدودیت‌هایی وجود دارد. این مشکلات شامل انتقال نفت سفید و گاز مایع از خانوارها به سمت بخش حمل‌ونقل و قاچاق برون‌مرزی می‌شود.

- اصلاحات تدریجی، ریسک افزایش مخالفان طی زمان را در بر دارد. به‌این منظور، اصلاحات تدریجی باید با تعهدات بلندمدت دولت‌ها (احتمالاً با چند دولت پی‌درپی) جهت افزایش قیمت‌ها مطابق برنامه قبلی همراه باشد. برای مثال ترکیه یک رژیم آزاد را برای قیمت‌های انرژی شامل

سوخت و برق در اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل ۱۹۹۰ آغاز نمود و اجرای این طرح در دولت‌های متوالی دنبال شد.

۳-۲-۴. افزایش کارایی شرکت‌های دولتی جهت کاهش یارانه تولیدکننده

تولیدکنندگان انرژی اغلب جهت جبران ناکارایی تولید و جمع‌آوری درآمد، منابع بودجه‌ای (اعتبارات جاری و سرمایه‌ای) قابل توجهی را دریافت می‌کنند. بهبود کارایی می‌تواند موقعیت مالی این شرکت‌های دولتی را تقویت کند و نیاز به چنین انتقالاتی را کاهش دهد. بنابراین افزایش کارایی این بنگاه‌ها می‌تواند به کاهش بار مالی بخش انرژی بینجامد.

تجربه کشورها، اهمیت تقویت اداره شرکت‌های دولتی، بهبود مدیریت تقاضا و جمع‌آوری درآمد و بهره‌برداری بهتر از صرفه‌جویی مقیاس جهت افزایش کارایی بنگاه را نشان می‌دهد. اداره شرکت‌های دولتی را می‌توان با بهبود گزارش‌دهی اطلاعات عملیاتی و هزینه‌ای تقویت نمود. این امر به شناسایی ناکارایی سیستم (مانند تعداد زیاد کارکنان) و آسیب‌پذیری (مانند نقاط زیان اصلی و تنگنای جریان انرژی) کمک می‌نماید. کشورهای کنیا، اوگاندا، و زامبیا از سیستم‌های اطلاعاتی استفاده نمودند.

همه فعالیت‌های خارج از بودجه دولت مرکزی، مانند فعالیت‌های صورت‌گرفته توسط شرکت‌های دولتی بهتر است مطابق کد فعالیت خوب بر روی شفافیت مالی^۱، در اسناد بودجه‌ای گزارش شوند. گام دوم، تنظیم اهداف و انگیزه‌های عملکردی بر اساس این اطلاعات است. بهبود مدیریت تقاضا (از طریق اخذ قیمت‌های بالاتر طی دوره‌های پیک) در انتقال تقاضا به دوره‌هایی که هزینه‌های نهایی آماده‌سازی پایین‌تر هستند، مؤثر خواهد بود. همچنین، کارایی از طریق بهره‌برداری از تجارت منطقه‌ای در بخش برق بهبود می‌یابد. برای مثال کشورهای مالی و بورکینافاسو عرضه داخلی و دسترسی خانوارها را از طریق ادغام در بازار منطقه‌ای افزایش دادند.

۳-۲-۵. اقدامات تعدیل‌کننده هدفمند

انجام اقدامات هدفمند جهت تعدیل اثر افزایش قیمت انرژی بر فقرا برای جلب حمایت عمومی در اصلاح یارانه‌ها بسیار مهم و حیاتی است. نخستین گام در این خصوص، ارزیابی ظرفیت موجود جهت توسعه (یا اجرای جدید) برنامه‌های اجتماعی در کوتاه‌مدت است. اجرا یا گسترش برنامه‌های هدفمند دقیقاً پیش از اصلاح قیمت‌ها می‌تواند در نشان دادن تعهد دولت در حمایت از فقرا مفید باشد. پرداخت‌های نقدی بدون هدف جهت جبران هزینه‌های ناشی از اصلاح یارانه‌ها می‌تواند بر اساس مصرف

1. Code of Good Practices on Fiscal Transparency

فقرترین اقشار جامعه محدود شود و منابع مالی را حفظ نماید زیرا خانواده‌های فقیر نسبت به خانواده‌های ثروتمند به‌طور معمول انرژی بسیار کمتری را مصرف می‌کنند. اما منابع مالی بیشتر می‌تواند از طریق پرداخت‌های نقدی هدفمند جهت جبران هزینه گروه‌های درآمدی پایین‌تر ایجاد شود. در برخی از کشورهای صادرکننده نفت (در این کشورها یارانه‌ها اغلب به‌عنوان شکلی از تقسیم ثروت دیده می‌شود) پرداخت‌های سرانه یکسان نسبت به یارانه‌های انرژی بدون هدف، کارا تر و عادلانه‌تر خواهد بود. تعیین میزان جبران هزینه‌ها یک تصمیم راهبردی است که شامل توازن میان ذخایر مالی، ظرفیت مورد هدف و نیاز به توافق گسترده جهت اصلاح می‌شود.

پرداخت‌های نقدی هدفمند یا پرداخت‌های نیمه‌نقدی روشی برتر برای جبران هزینه محسوب می‌شوند. اخیراً، گسترش برنامه‌های پرداخت نقدی مشروط در اقتصادهای نوظهور و با درآمد پایین (اجبار خانوارها به سرمایه‌گذاری یارانه‌ها در آموزش و بهداشت) به میزان قابل توجهی ظرفیت این اقتصادها را در حمایت از خانواده‌های فقیر در مقابل قیمت و سایر شوک‌ها افزایش داده و به‌طور همزمان دلایل اصلی فقر مزمن را نیز لحاظ نموده است.

در شرایطی که امکان پرداخت‌های نقدی وجود ندارد می‌توان در صورت بهبود ظرفیت اجرایی، سایر برنامه‌ها را توسعه داد. این امر می‌بایست با تمرکز بر برنامه‌های موجود دارای قابلیت گسترش سریع مانند تأمین وعده‌های غذایی در مدارس، کارهای عمومی، کاهش هزینه‌های درمان و آموزش، پرداخت یارانه به حمل‌ونقل شهری، پرداخت یارانه به مصرف آب و برق در صورت مصرف کمتر از حد مشخص، صورت گیرد. در این زمینه می‌توان به تجارب کشورهای زیر اشاره نمود:

- گابن، غنا، نیجر، نیجریه، موزامبیک برنامه‌های مخارج اجتماعی هدفمند جهت حمایت از خانواده‌های کم‌درآمد در مقابل افزایش قیمت سوخت را توسعه دادند.

- در خصوص اصلاح قیمت برق؛ در ارمنستان، برزیل، کنیا و اوگاندا تعرفه برق تا سطح حداقل مصرف ثابت نگه داشته شد، اما برای سطوح بالای مصرف تعرفه افزایش یافت.

- فیلیپین به خانواده‌های بسیار فقیر برای مصرف برق یارانه، به دانش‌آموزان با درآمد پایین بورسیه تحصیلی و جهت خرید موتورهای مصرف‌کننده سوخت ارزان‌تر گاز مایع در حمل‌ونقل عمومی وام‌های یارانه‌ای پرداخت نمود.

فراهم کردن منبع جایگزین انرژی مقرون‌به‌صرفه نیز می‌تواند به کاهش اثر اصلاح یارانه بر گروه‌های کم‌درآمد کمک نماید. در اندونزی و یمن، اصلاح یارانه‌ها از طریق تلاش‌های دولت برای کمک به خانواده‌ها جهت انتقال مصرف از نفت سفید به گاز مایع کم‌هزینه برای پخت‌وپز تسهیل شد.

در صورتی که برنامه اصلاح یارانه‌ها با بازسازی شرکت‌های دولتی همراه باشد جهت حمایت از کارفرمایان و کارگران نیاز به انجام اقدامات اجتماعی موقت مانند سرمایه‌گذاری در تکنولوژی‌های ذخیره‌کننده انرژی و سیاست‌های کاهش‌دهنده اثر افزایش قیمت‌ها بر کارگران است. برای مثال با اصلاح قیمت ذغال‌سنگ در لهستان، کارگران معدن بیکار شده تحت کمک‌های اجتماعی و آموزش مهارت‌های شغلی قرار گرفتند. در زمینه اصلاح یارانه سوخت، دولت ایران از طریق مشورت با بنگاه‌های اقتصادی به شناسایی چالش‌های پیش‌رو در صورت افزایش قابل توجه قیمت‌ها پرداخت، به نحوی که دولت به بخش‌های کشاورزی و انرژی بر به‌عنوان آسیب‌پذیرترین بخش‌ها نسبت به افزایش قیمت‌های سوخت، یارانه اختصاص داد. با این وجود، چنین حمایت‌هایی باید به‌صورت موقتی در دسترس بخش‌های آسیب‌پذیر قرار گیرد.

۳-۲-۶. حذف مکانیزم کنترلی قیمت‌گذاری انرژی

اصلاحات موفق و پایدار به مکانیزمی جهت حذف قیمت‌گذاری دستوری انرژی نیازمند است. مکانیزم‌های خودکار تعیین قیمت، احتمال بروز اثرات معکوس اصلاحات را کاهش می‌دهد. تعیین فرمول قیمت‌گذاری خودکار برای محصولات سوختی می‌تواند باعث دور کردن دولت از قیمت‌گذاری انرژی شود و به شفافیت بیشتر این نکته پردازد که تغییرات قیمت داخلی منعکس‌کننده تغییرات قیمت‌های بین‌المللی و خارج از کنترل دولت است. تکیه بر چنین فرمولی می‌تواند مردم را مطمئن کند که افزایش قیمت‌ها، سود بادآورده‌ای برای عرضه‌کنندگان به همراه نخواهد داشت. در آفریقای جنوبی، فیلیپین و ترکیه جزئی‌ترین اطلاعات در خصوص این مکانیزم و اجرای آن از طریق سایت‌های دولت و سایر رسانه‌ها اطلاع‌رسانی شده است. با این وجود، اتخاذ چنین مکانیزمی تضمینی برای دستیابی به اصلاح پایدار یارانه‌های انرژی نیست. برخی از کشورها پس از مدت کوتاهی از زمان اعمال چنین مکانیزم‌هایی به دلیل انتقال افزایش‌های قابل توجه قیمت‌های بین‌المللی به مصرف‌کنندگان این مکانیزم‌ها را رها کردند. پایداری این مکانیزم را می‌توان با طراحی آن‌ها در قالب بسته و در نظر گرفتن آن‌ها به‌صورت بخشی از اصلاحات ساختاری وسیع‌تر (شامل توسعه نظام تأمین اجتماعی و برنامه‌های اجتماعی) افزایش داد.

برای جلوگیری از افزایش شدید قیمت‌های داخلی می‌توان از قاعده تعدیل‌کننده قیمت به همراه مکانیزم قیمت‌گذاری خودکار استفاده نمود. مکانیزم‌های تعدیل اگر با سیاست‌های کلان اقتصادی مناسب حمایت شوند، می‌توانند انتظارات تورمی را نیز متوقف و اثرات قیمت بین‌المللی و نوسانات نرخ ارز را کاهش دهند. با یک مکانیزم تعدیل، دوره‌های افزایش شدید در قیمت‌های بین‌المللی

به تدریج به قیمت‌های داخلی انتقال می‌یابد. در این راستا، جهت انجام اصلاحات یارانه مطابق برنامه قبلی می‌توان مسئولیت اجرای مکانیزم خودکار را به یک گروه مستقل واگذار نمود.

برای حفاظت از بودجه در میان‌مدت، تعدیل باید در هر دو شرایط افزایش قیمت (وقتی یارانه‌ها افزایش یا مالیات کاهش می‌یابد) و کاهش قیمت (وقتی یارانه‌ها کاهش یا مالیات افزایش می‌یابد) به کار گرفته شود. انتخاب میزان تعدیل به ترجیح دولت بین قیمت‌های کمتر و نوسانات مالی بیشتر بستگی دارد. برای مثال پرو در سال ۲۰۰۴، قاعده تعدیلی را پذیرفت که در آن تغییرات قیمت بین‌المللی به‌طور کامل به قیمت‌های داخلی منتقل می‌شد تا زمانی که قیمت‌های داخلی در یک محدوده قیمتی ثابت قرار می‌گرفت. اما در صورتی که قیمت خارج از محدوده مذکور بود هزینه (اگر بالاتر باشد) یا منافع (اگر پایین‌تر باشد) توسط بودجه جذب می‌گردید. از سال ۲۰۱۰، محدوده قیمتی جهت انعکاس قیمت‌های جهانی با تعدیلات محدود به ۵ درصد به‌روز رسانی شد.

با این وجود، اصلاحات یارانه فرآورده‌های نفتی باید در بلندمدت آزادسازی کامل قیمت‌ها را هدف قرار دهد. تحت یک نظام آزاد، نقش دولت تنها تضمین رقابتی بودن بازارهای سوخت و ورود و خروج آزاد از این بخش است. قبل از اقدام به آزادسازی، ایجاد نظام تأمین اجتماعی کارآ جهت حمایت از گروه‌های کم‌درآمد در مقابل افزایش قیمت در آینده و بنابراین جلوگیری از فشار عمومی برای به‌کارگیری مجدد یارانه‌ها ضروری است. این روش در فیلیپین با اتخاذ مکانیزم قیمت‌گذاری خودکار استفاده شد.

در خصوص بخش برق لازم به ذکر است که اندازه کوچک بازار در برخی کشورها، میزان رقابت و آزادسازی قیمت را محدود می‌کند. در بسیاری از اقتصادهای نوظهور و کم‌درآمد، بازار برق کوچک است و نمی‌تواند برق مورد نیاز بسیاری از بنگاه‌ها را به‌طور کارآ و با صرفه اقتصادی تأمین کند. در چنین شرایطی، قیمت‌گذاری دستوری لازم و رقابت به‌تنهایی بهترین راه برای اصلاح این بخش نخواهند بود. قیمت‌ها باید توسط نهادی مستقل تعیین گردند به گونه‌ای که از پرداخت یارانه‌ها جلوگیری و بازدهی کافی برای سرمایه‌گذاری تحت فعالیت‌های کارآ را تضمین نماید. افزایش تصاعدی تعرفه‌ها با اعمال نرخ‌های بیشتر برای مصرف‌کنندگان بزرگتر می‌تواند ضمن کاهش هزینه‌های یارانه از فقر نیز حمایت کند.

۴. نتیجه‌گیری

یارانه‌های انرژی دارای پیامدهای منفی اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی نظیر کاهش رشد اقتصادی، تشویق مصرف بیش از اندازه انرژی، کاهش انگیزه جهت سرمایه‌گذاری در انرژی‌های

تجدیدپذیر، سرعت بخشیدن به استهلاک منابع طبیعی و افزایش نابرابری اجتماعی هستند. در بیشتر نواحی جهان، اعطای یارانه انرژی هزینه‌های اقتصادی و مالی قابل ملاحظه‌ای را به همراه داشته به‌طوری که در سال ۲۰۱۱، میزان یارانه قبل از مالیات فرآورده‌های نفتی، برق، گاز طبیعی و ذغال‌سنگ حدود ۴۸۰ میلیارد دلار بوده که این میزان معادل ۰/۷ درصد از GDP جهانی یا ۲ درصد از کل درآمد دولت‌ها بوده است. در بین کشورهای جهان، کشورهای صادرکننده نفت بیشترین سهم از پرداخت این نوع یارانه را به خود اختصاص داده‌اند. به‌علاوه، یارانه‌های بعد از مالیات که اثرات جانبی منفی مصرف انرژی را نیز لحاظ می‌کنند، بسیار بیشتر از ۱/۹ تریلیون دلار بوده که ۲/۵ درصد از GDP جهان یا ۸ درصد از کل درآمد دولت‌ها را در بر می‌گیرد. حذف این یارانه‌ها می‌تواند انتشار گاز CO₂ را ۱۳ درصد کاهش دهد و با کاهش تقاضای جهانی انرژی اثرات فراگیر مثبتی را ایجاد نماید.

با توجه به پیامدهای منفی پرداخت یارانه‌های انرژی و ضرورت اصلاح آن‌ها، موانعی پیش‌روی انجام اصلاحات وجود دارد که از آن جمله می‌توان به فقدان اطلاعات در خصوص حجم یارانه‌ها، عدم اعتبار دولت و گنجایش اداری، نگرانی در خصوص اثرات معکوس حذف یارانه‌ها بر خانوارهای فقیر و همچنین اثرات معکوس آن بر تورم، رقابت بین‌المللی و نوسانات قیمت‌های داخلی انرژی، در تضاد بودن اصلاحات با منافع گروه‌های بهره‌مند از وضعیت موجود و شرایط ضعیف اقتصاد کلان اشاره نمود. شناخت این موانع در طراحی راهبردی مناسب جهت انجام اصلاحات بسیار کمک‌کننده است. بر این اساس و با توجه به تجارب موفق کشورها در زمینه اصلاح یارانه انرژی، شش مؤلفه کلیدی به‌منظور افزایش موفقیت اصلاح یارانه‌های انرژی پیشنهاد می‌گردد که شامل طراحی برنامه‌ای جامع برای اصلاح، اتخاذ راهبرد ارتباطی گسترده و شفاف، افزایش تدریجی قیمت‌ها، افزایش کارایی شرکت‌های دولتی جهت کاهش یارانه تولیدکننده، انجام اقدامات تعدیل‌کننده هدفمند و حذف مکانیزم کنترلی قیمت‌گذاری انرژی می‌باشند.